

ظرفیت‌سازی سیاسی برای دیپلماسی آب و محیط‌زیست جهت حل معضل ریزگردها

محمد ابراهیم بنی حبیب* ، نرگس خاتون دولت‌آبادی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸

چکیده

در این مقاله، موارد مورد نیاز جهت ظرفیت‌سازی سیاسی در مسائل مربوط به محیط‌زیست و بصورت خاص پدیده ریزگردها در غرب و جنوب غربی کشور بررسی شده و به دیپلماسی آب به‌عنوان راهکاری برای احیای تالاب‌های بین‌النهرین و به‌ویژه تالاب هورالعظیم که منشأ پدیده ریزگردها در این منطقه بوده و حوضه آبریز آن مابین سه کشور ایران، عراق و ترکیه قرار دارد، پرداخته شده است. مراحل دیپلماسی آب پیشنهادی در این پژوهش شامل: دیپلماسی فاجعه، دیپلماسی پیشگیرانه (پیشگیری از ایجاد مناقشات) و دیپلماسی سبز می‌باشد. در حال حاضر، کشورهای منطقه تنها به دنبال استفاده از منابع طبیعی برای رشد اقتصادی، بدون در نظر گرفتن مشکلات زیست‌محیطی ایجاد شده، می‌باشند، بنابراین می‌توان گفت‌مان موجود در منطقه

* دانشیار گروه مهندسی آبیاری و زهکشی پردیس ابوریحان، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول).

banihabib@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری مهندسی منابع آب پردیس ابوریحان، دانشگاه تهران. dolatabadi.narges@ut.ac.ir

را گفتمان جهان‌سومی دانست. بنابراین پیشنهاد می‌شود در مسیر احیای پایدار تالاب با عبور از گفتمان برد-برد به گفتمان سبز دست‌یافت. همچنین باید شبکه‌ای از روابط اجتماعی و سیاسی مابین کشورهای ذینفع برای زمینه‌سازی در افکار عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ایجاد نمود. در صورتی‌که تصمیم‌گیران سیاسی دو کشور ایران و عراق دیپلماسی آب-کالا (رهاسازی آب توسط کشور ترکیه در مقابل بازار کالا در کشور ایران و عراق و گردشگری در ترکیه) را به‌عنوان یک ابزار مذاکره با دولت ترکیه استفاده نمایند، قدمی به سوی تعادل محیط‌زیست در منطقه خواهد بود. برای ایجاد شبکه‌ای از روابط اجتماعی و سیاسی در بین کشورهای ذینفع و زمینه‌سازی در افکار عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیران، نیازمند آموزش و ظرفیت‌سازی سیاسی هستیم که موارد آن در این تحقیق تعیین گردیده است.

واژه‌های کلیدی: ظرفیت‌سازی سیاسی، دیپلماسی آب، دیپلماسی

فاجعه، دیپلماسی پیشگیرانه، دیپلماسی سبز، آموزش.

۱- مقدمه

تأمین آب برای مصرف و عملکرد اکوسیستم مهم‌ترین نگرانی برای توسعه جوامع بشری در آینده است (UNEP, 2003- فصل ۳: ۱۷). از جنبه دیگر کمبود شدید آب سبب تضاد و تعارض در سطح بین‌المللی و محلی خواهد شد، همچنین در سطح بین‌المللی تعارض بر سر آب‌های مشترک محتمل‌تر به نظر می‌رسد. افزایش کمبود ساختاری و فیزیکی آب در جهان، نگاه عمیق‌تر به مسئله تضاد در آب‌های مرزی را ضروری می‌سازد و نیز نظر به این که محیط‌زیست با معیشت و فقر پیوندی عمیق دارد، پتانسیل بالایی در ایجاد تنش‌های اجتماعی و سیاسی بر سر مسائل مربوط به آب و محیط‌زیست در سطح بین‌المللی و به‌خصوص در مناطق کم‌آب می‌تواند وجود داشته باشد. در سال ۲۰۱۱ با توجه به پیشرفت ابزار و استفاده از فناوری‌های نوین مانند

سنجش از دور، ۲۷۶ حوضه مرزی و بین‌المللی در سطح جهان تعیین شد. بنابراین در حال حاضر بیش از ۲۷۰ حوضه مرزی و فرامرزی در جهان وجود دارد که نزدیک به ۴۸/۸ درصد از سطح جهان را پوشانده است و تقریباً نیمی از جمعیت جهان در این حوضه‌های مرزی زندگی می‌کنند (Hefny, 2011: 22). کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که در حوضه‌های مشترک بین‌المللی و همچنین در منطقه خشک و پرتنش خاورمیانه قرار گرفته است. مرزهای آبی ۲۲ درصد از مرزهای کشور ایران را در برمی‌گیرد (میان‌آبادی، ۱۳۹۱: ۵)، به لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز حدود ۸ درصد از مردم ایران به‌طور مستقیم به منابع آب مرزی وابستگی دارند (رستم‌آبادی و جلالی، ۱۳۹۳: ۵۰۰). آب‌های مرزی می‌توانند پتانسیل اساسی برای یکپارچگی کشورهای ساحلی و منطقه‌ای داشته باشند و همچنین به‌عنوان عاملی برای تعاملات زیست‌محیطی، اقتصادی-اجتماعی، امنیتی، نهادی و ... به‌صورت دائمی بین کشورهای ساحلی مورد توجه قرار گیرند (Yacob Arsano, 2016: 3).

همکاری‌های دوجانبه و بین‌المللی در زمینه حل مشکلات آب اجتناب‌ناپذیر است، برای دستیابی به این هدف دولت‌ها، نیازمند سیاست خارجی فعال و پویا بوده که بتوانند متناسب با شرایط موجود، در عرصه بین‌المللی به تصمیم‌گیری مناسبی دست یابند (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۱). بر اساس ماده ۱۳ دستورالعمل چارچوب آب اتحادیه اروپا (WFD)^۱، اگر اثرات یک رودخانه فرامرزی درون یک حوضه رودخانه رخ دهد، اعضای اتحادیه اروپا باید این رودخانه را به‌عنوان یک رودخانه فرامرزی در نظر گرفته و هماهنگی اجرای دستورالعمل چارچوب آب (WFD) از طریق طرح مدیریت حوضه یک رودخانه باید انجام شود (Kibaroglu, 2015: 157). بنابراین برای بهره‌برداری بهینه و پایدار از منابع آب مشترک و حفظ محیط‌زیست، ایجاد هماهنگی و روابط دیپلماتیک آب در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و فنی به‌ویژه در سطوح تصمیم‌سازی و

تصمیم‌گیری برای اثرات ناشی از بهره‌برداری از رودخانه‌های مشترک و فرامرزی اهمیت ویژه‌ای دارد.

به‌منظور پیشگیری از تضادها و مناقشات آبی، یافتن راهکارها و پیشنهادهایی که بر مبنای آن‌ها مسئله آب در اولویت قرار گیرد، ضرورت می‌یابد و همچنین این راهکارها باید از سوی مردم و تصمیم‌سازان عمومی، جامعه مدنی و تصمیم‌گیران در مقیاس ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد پذیرش قرار گیرد، و این تنها با آموزش و ظرفیت‌سازی سیاسی امکان‌پذیر است. بر طبق تعریف استوکدیل^۱ و همکارانش در سال ۲۰۰۲، ظرفیت‌سازی به معنی انجام رویکردی معین برای ایجاد مداوم و حفظ فرآیندهای سازمانی است (Strang, 2017: 286). همچنین توسعه برنامه‌ریزی شده از دانش، مدیریت، مهارت، نرخ بازده و سایر قابلیت‌های دیگر یک سازمان یا کشور از طریق اکتساب، مشوق‌ها، تکنولوژی و یا آموزش را ظرفیت‌سازی گویند (سایت فرهنگ لغت کسب‌وکار-۲۰۱۶). علاوه بر این برنامه‌های ظرفیت‌سازی به جوامع ضعیف و فقیر کمک می‌کنند تا بتوانند توانایی خویش را برای شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و محیطی افزایش دهند (Downing & Hudson, 2002,1). هدف اصلی از ظرفیت‌سازی، افزایش توانایی ارزیابی و دستیابی به سؤالات بسیار مهم در ارتباط با انتخاب‌های سیاسی و گزینه‌های اجرایی در میان گزینه‌های توسعه است که این سؤالات بر اساس درک مشخصی از پتانسیل محیط‌زیست، محدودیت‌ها و نیازهای درک شده توسط مردم و تصمیم‌گیران سیاسی شکل می‌گیرند (UNCED, 1992: فصل ۳۷). در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان از جمله خاورمیانه، کشورهای منطقه نیاز به همکاری و توافقات جدی بر سر مسئله آب دارند. با توجه به معضلات زیست‌محیطی و تنش‌های آبی فی‌مابین کشورهای همسایه و منطقه، ظرفیت‌سازی در زمینه دیپلماسی آب و محیط‌زیست امری مهم در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و ارتباطات بین‌المللی می‌باشد.

1. Stockdill

ارائه آموزش و کمک‌های فنی به سازمان‌های دولتی، عمومی، غیردولتی و خصوصی علاقه‌مند به توسعه و بهبود مهارت‌های دیپلماسی آب و محیط‌زیست، از جمله اهداف مطرح ظرفیت‌سازی سیاسی است.

در منطقه خاورمیانه، عمده کشورها در زمره کشورهای در حال توسعه می‌باشند که در آن‌ها رشد اقتصادی در اولویت قرار دارد و توجه کمی به مسئله پایداری زیست‌محیطی می‌شود. از طرفی دیگر نگاه یک‌جانبه کشورها در این منطقه به مسئله رشد اقتصادی، سبب بهره‌برداری غیراصولی از منابع آب شده است که در نهایت به خشک شدن تالاب‌ها و مرداب‌ها منجر می‌شود. طوفان گردوغبار پدیده‌ای عادی در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان محسوب می‌شود، در منطقه خاورمیانه اشتباهات موجود در استفاده از منابع طبیعی و محیط‌زیست، سبب تشدید این پدیده شده است و در دهه‌های اخیر چگالی و فراوانی پدیده ریزگردها در غرب و جنوب غربی کشور ایران افزایش یافته است. حل این معضل یا احیای تالاب‌های بین‌النهرین، تنها با ایجاد ظرفیت در ساختار سیاسی سه کشور ایران، عراق و ترکیه شکل می‌گیرد.

با نگاهی به مطالعات پیشین در حوزه مطالعات دیپلماتیک آب، مواردی شامل: علل مناقشات بر سر مسئله آب، موانع موجود بر سر توافق بین کشورها و روابط اجتماعی-سیاسی منطقه در موضوع آب و محیط‌زیست قابل بررسی است. اصولاً در کشورهای دارای مرزهای آبی و مشترکات منابع آب، کمبود آب منجر به مناقشات نمی‌شود بلکه مدیریت و حکمرانی نادرست بر منابع سبب مناقشات می‌باشد. دلایل زیادی برای شکست مدیریت آب وجود دارد از جمله، به موادی مانند: فقدان نهاد آبی مناسب و کافی، ظرفیت اجرایی ناکافی و نامساعد، عدم شفافیت مسئله برای طرفین، عدم شفافیت داده‌ها و اطلاعات برای عموم، حوزه‌های قضایی مبهم و... می‌توان اشاره کرد (Dabelko & Wolf, 2004: 61). در منطقه خاورمیانه و بخصوص در مسئله ریزگردها و مشکلات ایجاد شده مابین کشورهای ایران، ترکیه و عراق، موارد ذکر شده دلایلی برای ایجاد عدم توافق می‌باشد و همچنین این مسائل زمینه‌ساز ایجاد مناقشات

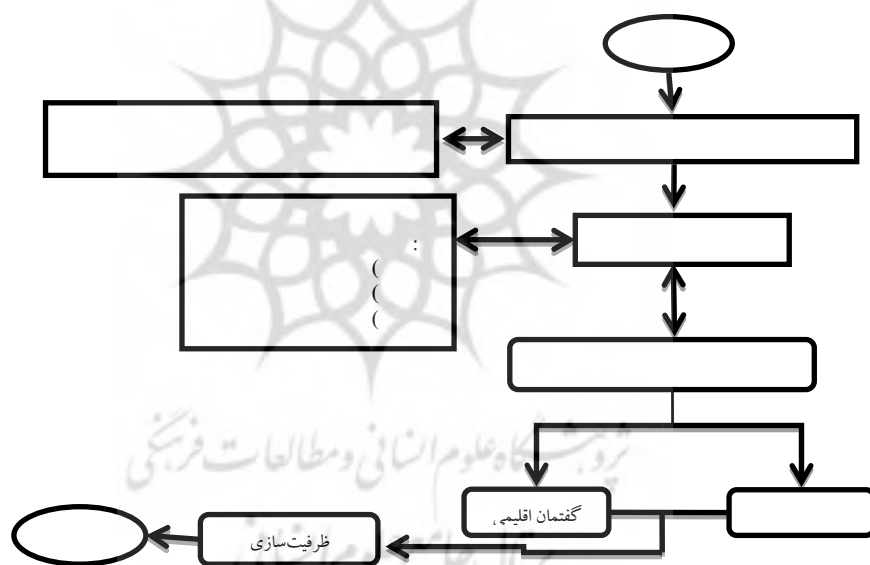
در آینده خواهد بود. همچنین در مطالعات، تغییرات ناگهانی و کاهش ظرفیت نهادی به عنوان بیشترین علت اختلافات ذکر شده است، که از جمله تغییرات در منطقه می توان به پروژه GAP در ترکیه و خشکسالی های پی در پی اشاره نمود. رویکرد توسعه با توجه به ظرفیت سازی و آموزش همگانی و همچنین ایجاد حساسیت زیست محیطی در بین مردم، سازمان های دولتی، سازمان های غیردولتی و به خصوص تصمیم گیران سیاسی در بخش آب، می تواند ظرفیت نهادی و اجرایی کافی برای رفع موانع مدیریت پایدار منابع آب را ایجاد نماید و به ایجاد ارتباط و توافق منصفانه مابین کشورهای با منابع آبی مشترک منجر شود.

این مقاله، ابتدا به تنازعات آبی بین ایران، عراق و ترکیه که منجر به خشکی تالاب های بین النهرین به ویژه تالاب هورالعظیم و همچنین تشدید پدیده ریزگردها شده است، می پردازد. سپس ظرفیت سازی سیاسی مورد نیاز برای دیپلماسی آب و محیط زیست جهت حل تنازعات یادشده و مقابله با پدیده ریزگردها در غرب و جنوب غربی کشور بررسی شده است. بنابراین این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال می باشد که چه نوع ظرفیت سازی سیاسی در زمینه روابط دیپلماتیک آب و محیط زیست باید انجام شود تا بتوانیم معضل ریزگردها را در درازمدت حل کنیم؟ فرضیه تحقیق حاضر به این صورت است که ظرفیت سازی مناسب سیاسی برای دیپلماسی آب و محیط زیست از طریق آموزش دیپلماسی آب و شبکه سازی اجتماعی، می تواند به حل معضل ریزگردها و در درازمدت به جلوگیری از خشک شدن تالاب های بین النهرین کمک کند.

۲- مواد و روش ها

مراحل تحقیق حاضر بر اساس استفاده از مفهوم دیپلماسی آب و مذاکرات، شکل گرفته است. برای تدوین برنامه ظرفیت سازی جهت استفاده از دیپلماسی آب در احیای تالاب های بین النهرین و حل معضل ریزگردهای غرب و جنوب غربی ایران رویکردی

در فلوجارت شکل ۱ پیشنهاد شده است. ابتدا مطالعه موردی این تحقیق، تاریخچه استفاده از منابع آب مشترک در منطقه و مناقشات آبی ایجاد شده که منجر به خشکی تالاب‌های بین‌النهرین شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. سپس انواع دیپلماسی مطرح برای بهبود مدیریت منابع آب و احیای تالاب‌های بین‌النهرین بررسی شده و در گام بعد، گفتمان و ساختار مذاکرات مناسب برای دیپلماسی آب در این مطالعه، مورد ارزیابی قرار گرفته و نهایتاً ظرفیت‌سازی مورد نیاز برای انجام دیپلماسی آب در احیای تالاب‌های بین‌النهرین و حل معضل ریزگردهای غرب و جنوب غربی ایران پیشنهاد شده است.



شکل ۱- مراحل تحقیق حاضر

۲-۱- مطالعه موردی

در این تحقیق خشک شدن تالاب‌های بین‌النهرین و ریزگرد های ناشی از آن به‌عنوان مطالعه موردی تحقیق انتخاب شده است. بنابراین ابتدا پدیده ریزگردها در عراق و غرب و جنوب غربی ایران بررسی شده سپس مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲-۱-۱- بررسی پدیده ریزگردها در عراق و غرب و جنوب غربی ایران

گردوغبار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های جوی و یکی از بلاایای طبیعی شناخته شده است و مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و محققان در شاخه‌های مختلف علوم از جمله علوم مهندسی آب قرار گرفته است. کشورهای واقع در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان از جمله ایران، همواره با پدیده گردوغبار درگیر بوده‌اند (بنی حبیب و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). اصلی‌ترین علت وقوع گردوغبار در نواحی جنوب غربی کشور را می‌توان مربوط به وقوع طوفان در کشور عربستان و عراق دانست و همچنین فرسایش بادی در اراضی ایران را می‌توان عامل مؤثری در وقوع طوفان‌های گردوغبارها به شمار آورد (خسروی، ۱۳۸۹: ۱). همچنین عوامل انسانی همچون احداث سدهای عظیم بر روی رودهای منتهی به حوضه آبریز بین‌النهرین را می‌توان از دیگر عوامل تأثیرگذار بر این واقعه برشمرد. سدسازی صورت گرفته در هر سه کشور ایران، عراق و به‌خصوص ترکیه، سبب کاهش آب‌های ورودی به تالاب‌های بین‌النهرین به‌ویژه تالاب هورالعظیم شده است و در نتیجه خشکی زمین، رسوب ریزدانه‌ای مناطق خشک شده، از سطح زمین جدا شده و تحت جریان‌های جوی به سمت غرب و جنوب غربی ایران حرکت می‌کند.

در شکل ۲ موقعیت تالاب هورالعظیم در مرز بین دو کشور ایران و عراق نشان داده شده است. حوضه آبریز تالاب هورالعظیم شامل دو رودخانه بزرگ دجله و کرخه می‌باشد. رودخانه دجله از ارتفاعات ترکیه و کوه‌های جنوب ارمنستان سرچشمه

می‌گیرد و به سمت جنوب شرقی عراق جریان می‌یابد و پس از پیوستن به رودخانه فرات، اروندرود را تشکیل داده و وارد خلیج فارس می‌شود. مساحت حوضه آبریز دجله ۲۲۱۰۰۰ کیلومترمربع می‌باشد که از این مقدار ۱۹ درصد در ایران، ۵۶/۱ در عراق، ۰/۴ در سوریه و ۲۴/۵ درصد ترکیه قرار دارد (Kumpel & Khalaf, 2013: 110). همچنین رودخانه دجله و سرشاخه‌های آن به‌طور متوسط، سالانه حدود ۴۸/۰۵ میلیارد مترمکعب آب دارد. حجم آب سالانه دجله و سرشاخه‌های آن در ترکیه حدود ۲۱/۳ میلیارد مترمکعب و در عراق به‌طور متوسط حدود ۲۴/۴ میلیارد مترمکعب می‌باشد (Bayazit & Avci, 1997: 449). منابع تغذیه‌کننده تالاب هورالعظیم دو رودخانه کرخه در ایران و دجله در عراق می‌باشد. طبق قرارداد ایران و عراق در سال ۱۹۷۵، حدوداً ۲/۳۵ میلیارد مترمکعب از ۴/۷ میلیارد مترمکعب رودخانه سیروان، زاب کوچک، دویرج^۱ و تیب^۲ که از ایران سرچشمه می‌گیرد و به رودخانه دجله در عراق تخلیه می‌شوند؛ سهم ایران می‌باشد. همچنین حجم آب رودخانه کرخه در ایران به‌طور متوسط سالانه حدود ۶/۹ میلیارد مترمکعب می‌باشد. بنابراین به‌طور طبیعی و بدون احداث سدها، آبی با حجم ۹/۲۵ میلیارد مترمکعب سالانه از ایران (مجموع سیروان، زاب کوچک، دویرج، تیب و کرخه) به هورالعظیم وارد خواهد شد. از این حجم آب، ایران با احداث سدهای متعددی بر روی رودخانه کرخه، سیروان، زاب کوچک، دویرج و تیب، برای مهار و بهره‌برداری از ۷/۹۴ میلیارد مترمکعب آن‌ها برنامه‌ریزی کرده است. حوضه آبریز کرخه مساحتی برابر ۵۱۴۰۰/۸ کیلومترمربع دارد، که در آن رودخانه کرخه به طول ۷۵۵ کیلومتر تا هورالعظیم ادامه می‌یابد. هورالهویزه (هورالعظیم) در مرز ایران و عراق واقع گردیده است. این تالاب در بخش ایرانی خود، مشترکاً در شهرستان‌های دشت آزادگان و هویزه استان خوزستان واقع گردیده است. هورالعظیم در جنوب غرب شهرستان هویزه واقع بوده و شهر رفیع (کاو) مرکز

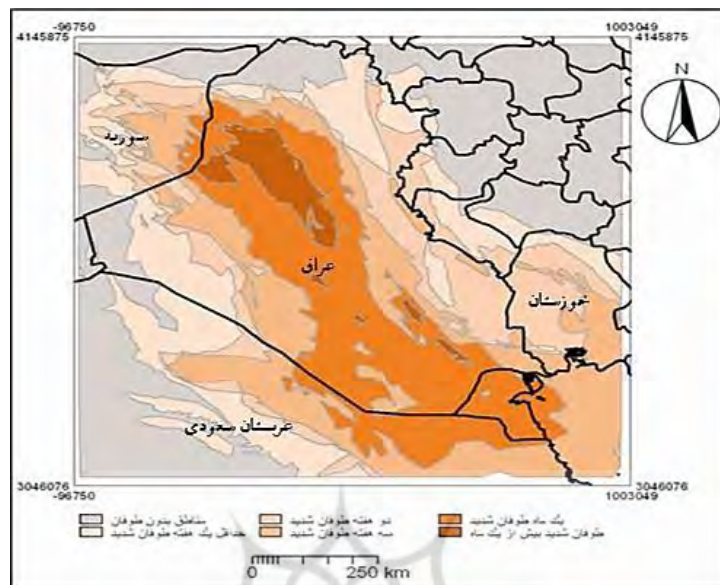
1. Dwairej
2. Tib

بخش نیشان در ۳ کیلومتری آن قرار دارد. مساحت این تالاب حدود ۳۰۰۰ کیلومترمربع می‌باشد که از این میزان حدود یک‌سوم آن در ایران قرار گرفته است که بانام هورالعظیم شناخته می‌شود و دوسوم از این مساحت در عراق واقع شده است (بنی حیب و نجفی مرغملکی، ۱۳۹۶: ۲). طبق برآوردهای صورت گرفته در ایران و عراق، سالانه حدود ۷/۸۷ میلیارد مترمکعب حقایبه زیست‌محیطی این تالاب می‌باشد که باید از طریق رودخانه کرخه و دجله تأمین گردد.

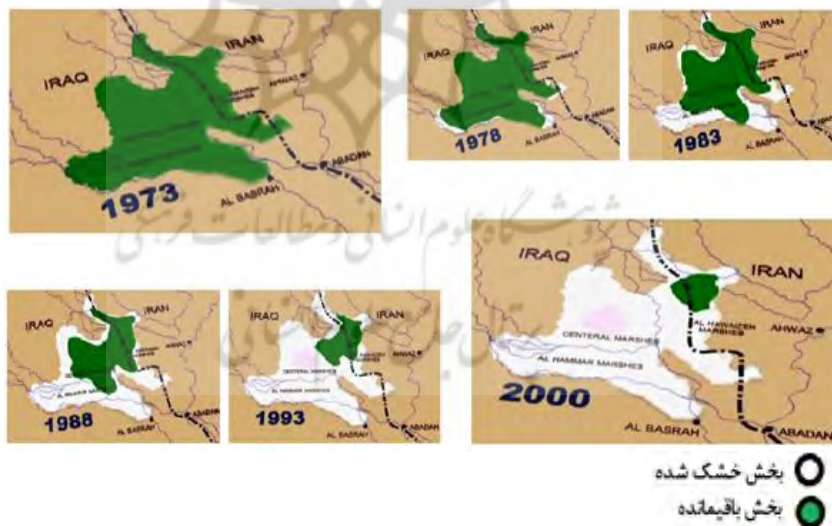


شکل ۲- موقعیت جغرافیایی هورالعظیم (پاپهن و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴)

مناطق تحت تأثیر گردوغبار و پدیده ریزگردها در شکل ۳ نشان داده شده است، همچنین کاهش سطح تالاب‌های بین‌النهرین در فاصله زمانی ۱۹۷۳-۲۰۰۲ در شکل ۴ ارائه شده است.



شکل ۳- وضعیت استقرار طوفان‌های شدید گردوغبار در منطقه در ۱۳۸۷
(جلالی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲۷)



شکل ۴- کاهش سطح تالاب‌های بین‌النهرین در حداث‌های سال‌های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۰ میلادی
(کوه‌بزن، ۱۳۹۳: ۳)

۲-۱-۲- ارزیابی مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین

تغییرات اخیر در مدیریت آب حوضه دجله و فرات پیامدهای عمیقی بر بخش کشاورزی و در نتیجه اقتصاد مناطق جلگه‌ای (بین‌النهرین) داشته و این پیامدها در آینده نیز بیشتر خواهد شد. کشور ترکیه با استفاده یک‌جانبه و کاهش آب در دسترس برای آبیاری در دو کشور سوریه و عراق، این کشورها را با یک معمای آبی بزرگ روبرو کرده است (Beaumont, 1998: 168). کشور ترکیه با قرار گرفتن در بالادست رودخانه و همچنین دسترسی به منابع ملی بین‌المللی و فناوری‌های پیشرفته‌تر، برای استفاده بیشتر از آب دو رودخانه دجله و فرات، مجموعه‌ای از طرح‌هایی که اکنون بانام پروژه جنوب شرق آناتولیا^۱ شناخته می‌شود، اجرا کرده است. این پروژه شامل ۱۳ طرح جداگانه اما مرتبط به هم هستند که بر روی رودهای دجله و فرات احداث می‌شوند (بنی حبیب و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷).

تعریف پروژه‌های عظیم زیرساختی برای توسعه در یک کشور و راه‌اندازی پروژه‌های بزرگ آبی توسط دولت‌ها سبب ایجاد موقعیت استراتژیک و هیدروپولیتیک در منطقه خواهد شد؛ پروژه GAP در کشور ترکیه یکی از پروژه‌های زیرساختی و عظیم در جهان می‌باشد؛ که سبب بروز مشکلات بسیاری در کشورهای همسایه با کشور ترکیه شده است. پروژه ذکر شده سبب کاهش مساحت تالاب‌های بین‌النهرین و به‌خصوص تالاب هورالهویزه (هورالعظیم) در سال‌های اخیر شده است، که پدیده ریزگردها در غرب و جنوب غربی کشور را تشدید کرده است. طبق مطالعات موجود پروژه‌های عظیم زیرساختی یادشده عامل اصلی خشک شدن تالاب هورالهویزه و پدیده ریزگردها در غرب و جنوب غربی ایران می‌باشد (بنی حبیب و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). عمده‌ترین منابع تغذیه‌کننده تالاب هورالعظیم رودخانه کرخه در ایران و رودخانه دجله در عراق می‌باشد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که آب ورودی به تالاب، هورالهویزه از

طرف ایران در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است (Fuladvand, et al., 2015: 33). به نظر می‌رسد دلیل این کاهش بیش‌تر به سال‌های خشک ۸۸-۱۳۷۷ و همچنین آبیگری سد کرخه برمی‌گردد (بنی حبیب و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴).

در جدول ۱ منافع بهره‌برداری از رودخانه‌های کرخه و دجله و اثرات پدیده گردوغبار بر روی سه کشور مورد بحث، ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که توجه بی‌اندازه به منافع بهره‌برداری از منابع آب رودخانه‌های دجله و کرخه توسط تک‌تک کشورهای ترکیه، عراق و ایران، آن‌ها را از مشکلات و تبعات مستقیم و غیرمستقیم زیست‌محیطی مشترک غافل نموده است. بنابراین باید بتوان با ظرفیت‌سازی، آموزش و تشریح منسجم و علمی این اثرات و تبعات به سطوح مختلف جامعه از جمله عموم مردم، سازمان‌های دولتی، خصوصی و قرار دادن این اطلاعات در اختیار تصمیم‌گیران سیاسی، آن‌ها را برای تصمیم‌گیری بهتر آماده نمود، تا امکان دیپلماسی مستمر آبی برای استفاده پایدار از منابع رودخانه‌های کرخه و دجله فراهم گردیده و از ریزگردها و تخریب تالاب‌های بین‌النهرین به‌ویژه هورالعظیم اجتناب شود.

با توجه به پروژه‌های سدسازی بی‌رویه در دو کشور عراق و ترکیه نابودی بخش عراقی هورالعظیم محتمل به نظر می‌رسد. با توجه به این که تاکنون تنها ۲۱ درصد از طرح‌های آبیاری و ۷۴ درصد از طرح‌های برق‌آبی پروژه GAP به بهره‌برداری رسیده است، این مسائل بر وخامت بهره‌برداری از تأسیسات آبی و رودخانه‌های منطقه می‌افزاید. با توجه به مطالب بیان شده و اثرات مستقیم و غیرمستقیم توسعه منابع آب در منطقه به‌خصوص در کشور ترکیه، ضرورت نگاه عمیق‌تر به مسئله آب به روش مذاکره‌ای و روابط دیپلماتیک با عنوان دیپلماسی آب احساس می‌شود. اکثر صاحب‌نظران روابط دیپلماسی و به‌ویژه دیپلماسی آب بر این باورند که باید مسئله آب در نگاهی فراتر از مسائل فنی دیده شود (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۵). بنابراین برای حل مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین ضرورت تحلیل دیپلماسی‌های ممکن و انتخاب روش مناسب برای دیپلماسی آب احساس می‌شود.

جدول ۱- منافع و تبعات زیست محیطی بهره‌برداری از منابع آب رودخانه‌های کرخه و دجله

نام کشور	منافع	اثرات منفی مستقیم	اثرات منفی غیرمستقیم
ایران	تا سال ۲۰۱۰: تنظیم ۱/۳ میلیارد مترمکعب آب توسط مخزن کرخه و آبیاری ۷۵ هزار هکتار اراضی کشاورزی تا سال ۲۰۴۰: برنامه جدیدی اعلام نشده است.	ریزگردها (مسئله زیست محیطی)	نارضایتی اجتماعی از ریزگردها (زمینه‌ساز ناامنی)
عراق	تا سال ۲۰۱۰: تنظیم ۲/۶ میلیارد مترمکعب آب و آبیاری ۲۴۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی تا سال ۲۰۴۰: تنظیم ۳۱ میلیارد مترمکعب آب و آبیاری ۲۷۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی	ریزگردها، خشک شدن تالاب‌ها و فشار بر منابع آب (مسئله زیست محیطی)	کاهش معیشت، افزایش مهاجرت به کشورهای همسایه، مسائل امنیتی (اجتماعی، اقتصادی و امنیتی)
ترکیه	تا سال ۲۰۱۰: تنظیم ۱۵/۵ میلیارد مترمکعب آب و آبیاری ۲۸۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی تا سال ۲۰۴۰: تنظیم ۳۲ میلیارد مترمکعب آب و آبیاری ۸۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی (بنی حبیب و همکاران-۱۳۹۴: ۲۳)	شور شدن اراضی طرح GAP	تهدید توسط مهاجران غیرقانونی از کشورهای منطقه، کاهش صادرات کالا به کشورهای منطقه به علت تضعیف بازار منطقه‌ای کالاهای تولیدی ترکیه (نجفی، ۱۳۹۵: ۲۲)

۲-۲- ارزیابی دیپلماسی‌های مطرح

در این بخش ابتدا روش‌های دیپلماسی که برای حل تنازعات زیست‌محیطی مطرح می‌باشد، تعیین شده است و ویژگی‌های این روش‌ها برای استفاده در مطالعه موردی این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. سپس، در بخش نتایج و بحث این مقاله، نحوه استفاده از روش‌های دیپلماسی بیان شده و در مطالعه موردی تحقیق، ارزیابی و بحث شده است و نهایتاً، دیپلماسی آب مناسب و مراحل آن برای حل تنازعات آبی و معضل ریزگردها پیشنهاد شده است.

دیپلماسی‌های مطرح در مسائل زیست‌محیطی طیف وسیعی از مذاکرات از جمله: دیپلماسی فاجعه^۱، دیپلماسی پیشگیرانه^۲ (پیشگیری از ایجاد مناقشات) و دیپلماسی سبز^۳ را می‌تواند شامل شود. ویژگی‌های روش‌های دیپلماسی مورد استفاده در مطالعه موردی این تحقیق در ادامه بررسی شده است: دیپلماسی فاجعه ارتباط دو یا چند کشور پس از رخداد یک فاجعه، بدون در نظر گرفتن سایر مشکلات فی‌مابین کشورها می‌باشد. در واقع یک رخداد یا یک فاجعه، در روابط بین این کشورها می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور عمل نماید و لزوماً ایجادکننده همکاری بین این کشورها نخواهد بود (Koukis, et al., 2016: 25). دیپلماسی فاجعه در واقع هم سو شدن کشورهای دوست و غیر دوست برای حل و فصل مسائل ایجاد شده از یک فاجعه طبیعی و تلاشی برای کاهش اثرات آن فاجعه است. برای مثال کمک کشورهای دوست و برخی کشورهای غیردوست بعد از زلزله بم به ایران را می‌توان نوعی دیپلماسی فاجعه دانست. در همین راستا می‌توان از پدیده ریزگردها به‌عنوان یک فاجعه زیست‌محیطی برای دیپلماسی فاجعه استفاده کرد. بنابراین از ویژگی دیپلماسی فاجعه می‌توان برای شروع دیپلماسی آب جهت حل مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین و کاهش معضل ریزگردها استفاده

-
1. disaster diplomacy
 2. preventive water diplomacy
 3. Green Diplomacy

نمود. این رویکرد می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری برای شروع روابط دیپلماتیک پیرامون مسئله ایجاد شده و همچنین بیان اهمیت این روابط دیپلماتیک در اثرات این پدیده بر روی سلامت انسان‌ها و سایر جانداران باشد.

طرح‌های مهم و پروژه‌هایی که غالباً با آب درگیر هستند نیاز به بودجه زیادی دارند و عموماً به دلیل کمبود بودجه از برخی جوانب طرح غفلت شده و رقابتی بین پروژه‌ها شکل می‌گیرد. برای انتخاب پروژه با اولویت بیشتر باید علاوه بر مسائل فنی، مسائل اجتماعی و امنیتی نیز در نظر گرفته شود؛ چراکه گه‌گاه نادیده گرفتن برخی از جنبه‌های طرح‌های بزرگ منجر به مناقشه و درگیری مابین ذینفعان پروژه خواهد شد. برای نمونه تشکیل انجمن‌هایی در سطح ملی و منطقه‌ای و حتی بین‌المللی می‌تواند در سیاست‌های اولویت‌بندی طرح‌ها تأثیرگذار باشد. برخی کشورها برای تنظیم و کاربرد آب‌های مشترک و برقراری مدیریت پایدار منابع آبی نیاز به سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای قوی‌ای دارند، که این چارچوب نهادی و قانونی می‌تواند توسط سازمان‌های بین‌المللی بزرگ مانند سازمان ملل متحد ایجاد شود (Dabelko & Wolf, 2004: 63) و به‌عنوان دیپلماسی پیشگیرانه در مذاکرات بین کشورهای با آب‌های مشترک، استفاده شود. با توجه به روند روبه‌رشد خشک شدن تالاب‌های بین‌النهرین و افزایش معضل ریزگردها در عراق و غرب و جنوب غربی ایران استفاده از نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های منطقه‌ای که کشورهای ایران، عراق و ترکیه به‌صورت مشترک در آن‌ها عضو می‌باشند می‌تواند بستر نهادی برای دیپلماسی پیشگیرانه جهت حل مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین و کاهش اثرات معضل ریزگردها را فراهم سازد که در بخش نتایج و بحث این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و پیشنهادهایی ارائه شده است.

همچنین در این پژوهش، دیپلماسی سبز به‌عنوان فرصتی برای کاهش اثرات بحران اقتصادی در مفهوم توسعه پایدار ارائه شده است. مشکلات زیست‌محیطی موجود در منطقه، به همکاری مبسوط در سطوح بین‌المللی و به‌صورت تخصصی نیاز

دارند. همچنین در مسائل منطقه‌ای باید بتوان این روابط را به‌صورت شفاف، دوجانبه و یا چندجانبه ایجاد نمود. ویژگی‌های دیپلماسی سبز یا دیپلماسی اکولوژیک عبارت است از: فنی و تخصصی بودن، انعطاف‌پذیری، شفاف و مستقیم بودن آن، مشخص بودن سهم مسئولیت‌های مشترک و مشارکت مدنی و عمومی. هدف این دیپلماسی به دست آوردن تعادل دقیق بین تعهدات پذیرفته شده توسط کشورها در مذاکرات زیست‌محیطی است. اساس دیپلماسی سبز در بالا بردن آگاهی و ترویج منافع عمومی در مدیریت و حفاظت میراث مشترک بشریت است. دیپلماسی سبز در جامعه در چندین سطح، شامل سطوح اجتماعی، سیاسی، آموزشی و در نهایت در سطح همکاری‌های بین‌المللی آشکار خواهد شد (Ioan, 2013: 227). شرایط ناپایدار سیاسی و فقدان آگاهی جامعه مدنی، اهمیت آموزش و پیشگیری از مناقشات بر سر مسائل آب را در منطقه دوچندان کرده است. برای آموزش مستقیم و غیرمستقیم در منطقه به‌شدت نیازمند ایجاد زیرساخت‌ها و ظرفیت‌سازی در جوامع و دولت‌ها برای حل مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین و کاهش معضل ریزگردها می‌باشیم.

تعیین مسیر دیپلماسی در رسیدن به پایداری زیست‌محیطی و منابع آبی مشترک در منطقه می‌تواند کمک‌کننده باشد. اگر کشورها بین مسئله تخصیص آب و سایر مسائل نظیر تجارت و بازارهای مشترک، فرهنگی و تاریخی و غیره پیوند برقرار کنند، در تخصیص آب به توافقی بهتر و بادوام بیشتر خواهند رسید (Beaumont, et al, 1998: 184). برقراری پیوند بین مسئله آب‌های فرامرزی و روابط تجاری و مبادلات کالا می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی برای دیپلماسی آب (جهت بهبود وضعیت زیست‌محیطی منطقه) استفاده شود. در این راستا و در این مطالعه عنوان دیپلماسی آب- کالا پیشنهاد می‌شود که در بخش نتایج و بحث توضیح داده خواهد شد.

در این بخش ابتدا ویژگی‌های گفتمان‌های سیاسی و ساختار مذاکرات مطرح در مسائل اقلیمی و زیست‌محیطی بررسی شده سپس در بخش نتایج و بحث، گفتمان سازی و ساختار مذاکرات مناسب برای حل مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین و کاهش معضل ریزگردها پیشنهاد می‌شود.

۲-۳-۱- گفتمان‌های مطرح

گفتمان دامنه‌ای از گزینه‌های سیاسی و توانمندسازی بازیگران خاص در عرصه سیاسی تعریف می‌شود که در سیاست‌های اتخاذ شده، رویکرد بازیگران اصلی و سازمان‌ها نمود می‌یابد. (Phillips & Jørgensen, 2002: 5) در واقع گفتمان می‌تواند به‌عنوان یک روش خاص برای گفتگو در مورد جهان و درک آن به کار رود. در اندیشه فوکو، گفتمان به‌واسطه قدرت شکل گرفته و قدرت به‌وسیله مفهوم گفتمان اعمال می‌شود، همچنین لاکلا^۱ و موفه^۲ معتقدند تمام امور اجتماعی، اقتصادی و سایر امور در چارچوب گفتمان‌ها معنا می‌یابند (کرمانی و دلوری، ۱۳۹۵: ۱۳۲). در تعیین نوع گفتمان برای یک منطقه، ساختار هویتی، مسائل و پیشینه تاریخی و توسعه‌یافتگی منطقه مؤثر است. گفتمان‌ها در مسائل زیست‌محیطی با توجه به ساختارهای تعریف شده از هویت منطقه مورد مطالعه، علایق و جهت‌گیری‌های سیاسی در مسائل زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی مشخص می‌شوند (Isaksen & Stokke, 2014: 110). تحلیل گفتمان‌ها می‌تواند به نقطه مهم ورود سیاست‌های زیست‌محیطی در مسائل محیط‌زیستی تبدیل شود. بر اساس تعریف، تحلیل گفتمان به دنبال یافتن راهی برای درک زمینه‌های اجتماعی و اثرات اجتماعی این نوع خاص از گفتمان بر روی مسائل مشخص است، از جمله این مسائل می‌توان به مسائل زیست‌محیطی اشاره نمود (Hajer, 1995: 7).

1. Laclau
2. Mouffe

آدجر^۱ و همکاران ۲۰۰۱، بیان نمودند که تحلیل گفتمان شامل سه مرحله مهم می‌باشد: (۱) تحلیل قواعد برای شناسایی نوع گفتمان حاکم، (۲) تحلیل تولید، بازتولید و گفتمان گذار بازیگران و (۳) اثرات اجتماعی و نتایج سیاسی گفتمان‌ها، که با تعیین گفتمان‌های موجود می‌توان شبکه‌های سیاسی را بهتر درک نمود (Adger, et al, 2001: 708).

از دهه ۱۹۸۰، گفتمان‌های مدرنیزه اقلیمی بر سیاست‌های زیست‌محیطی متمرکز شده‌اند. گفتمان‌های اقلیمی بر این فرض استوار شده‌اند که سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌توانند از محیط‌زیست مراقبت نمایند (Hajer, 1995: 7). در حال حاضر در مطالعات مربوط به مسائل آبی و اقلیمی، سه گفتمان کلی اقلیمی شناسایی و ذکر شده است که شامل گفتمان جهان سوم، گفتمان برد-برد و گفتمان سبز رادیکال می‌باشد (Isaksen & Stokke, 2014: 114). بر اساس تعریف، گفتمان جهان سوم، گفتمانی بر سر مسئله رشد اقتصادی است که به صورت یک‌جانبه بوده و هر کشور توسعه را تنها بر اساس رشد اقتصادی خود تعریف می‌نماید. در کشورها و جوامع غیر صنعتی گفتمان حاکم، گفتمان جهان سوم است (Boroujerdi & Mirsepassi, 1993: 54). عمده بخش‌های خاورمیانه با رشد جمعیتی افزایشی می‌باشند و توسعه‌یافتگی این کشورها به شدت وابسته به استفاده از منابع آب و مهار رودخانه‌ها می‌باشد. در حالی که در گفتمان برد-برد هدف رشد اقتصادی در طرفین درگیر در مذاکره بوده و توسعه بر اساس پیشرفت در هر دو سوی مذاکره تعریف می‌شود. در منطقه برای آموزش این نکته که توسعه‌یافتگی هر یک از کشورهای منطقه در گرو توسعه سایر کشورهای همسایه و منطقه‌ای است، باید سرمایه‌گذاری شده و ظرفیت مورد نیاز ایجاد شود. گفتمان سبز رادیکال، گفتمانی بر اساس اهداف بلندمدت توسعه و برابری اجتماعی و تعادل زیست‌محیطی است که نیاز به زیرساخت‌ها و ظرفیت‌سازی در جامعه برای رسیدن به آن وجود دارد. ویژگی‌های هر سه گفتمان در جدول شماره ۲ مشخص شده

1. Adger

۲۶۴ فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۶، شماره ۷۷، تابستان ۱۳۹۶

است. مسیر پیشنهادی گفتمان در منطقه در پژوهش حاضر در قسمت بحث و نتایج ارائه شده است.



جدول ۲- ویژگی‌های گفتمان‌ها در سیاست‌های اقلیمی

(Isaksen & Stokke, 2014: 114)

گفتمان	گفتمان جهان سوم	گفتمان برد- برد	گفتمان سبز رادیکال
علاقه ملی	اولویت دادن به رشد اقتصادی	اولویت دادن به رشد اقتصادی	اولویت دادن به برابری اجتماعی و تعادل
رابطه بین مسائل اقلیمی و مسائل منطقه	چالش‌های اقلیمی بین‌المللی به‌عنوان تهدیدی برای رشد اقتصادی در سطح ملی محسوب	تغییرات اقلیمی در یک منطقه به‌عنوان تهدید و مسئولیتی برای توسعه و دیپلماسی مطرح	تغییرات اقلیمی در یک منطقه به‌عنوان تهدیدی برای گروه‌های آسیب‌پذیر محسوب می‌شود.
سیاست‌های اقلیمی در مقیاس ملی	رشد اقتصادی به‌عنوان یک پیش شرط برای پایداری کشور بدون توجه به اقدامات اقلیمی در مقیاس ملی در نظر گرفته	سیاست‌های اقلیمی در مقیاس ملی شامل رویکرد سبز برای رشد اقتصادی بوده و برنامه‌ریزی در سطح	سیاست‌های اقلیمی در مقیاس ملی برای دستیابی به گفتمان سبز رادیکال بر اساس استراتژی‌های توسعه جایگزین صورت
سیاست‌های اقلیمی در مقیاس بین‌المللی	حمایت از صنعت داخلی کشور برای رشد اقتصادی به‌عنوان عامل مؤثر در سیاست اقلیمی کشور در مقیاس بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود.	در دستیابی به گفتمان برد- برد، ارائه دیپلماسی مدبرانه اقلیمی در سطح بین‌المللی بر اساس جستجوی علائق کشور مقابل می‌باشد.	در دستیابی به گفتمان سبز رادیکال، ارائه دیپلماسی مدبرانه اقلیمی در سطح بین‌المللی موجب ممانعت از اقدامات یک‌جانبه در سیاست‌های منطقه‌ای می‌شود.

۲-۳-۲- ساختار مذاکرات

ساختار مذاکرات برای دیپلماسی آب در دو سطح تصمیم‌گیری داخلی و ساختار

منطقه‌ای قابل بررسی است.

برای شکل‌گیری مذاکرات در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای باید سطوح مختلف درگیر و اهداف آن‌ها در هر مسئله‌ای تعریف شود و لایه‌های مختلف تصمیم‌گیری تعیین گردد. برای پیشبرد اهداف معین، مذاکرات باید در سطوح مختلف و به فراخور تأثیرات هر سطح در مسئله موردنظر صورت گیرد. بنابراین ساختار تصمیم‌گیری داخلی متناسب با سطوح مختلف و به فراخور تأثیرات هر سطح اجتماعی و سیاسی در مسئله خشک شدن تالاب‌های بین‌النهرین و معضل ریزگردها باید تدوین شود. از آنجاکه در مسائل زیست‌محیطی مشارکت عمومی ضروری است در بخش نتایج و بحث مقاله ساختار تصمیم‌گیری داخلی مناسب برای حل مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین و کاهش معضل ریزگردها پیشنهاد گردیده است.

ساختار منطقه‌ای مذاکرات به صورت شبکه‌ای برای مسائل زیست‌محیطی پیشنهاد شده که برای مطالعه موردی این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. ساختار مذاکرات به صورت شبکه‌ای، در روابط تجاری نیز به کار برده می‌شود. پژوهش‌ها بر روی مذاکرات تاکنون، تمایل بر مهارت‌های فردی و بررسی اثر متقابل هر دو عضو به صورت جداگانه، داشته‌اند؛ در حالی که می‌توان مذاکره‌کنندگان را در شبکه‌ای از روابط و ساختارها تعریف نمود. شبکه‌ها می‌توانند در همه موارد از جمله اجتماعی، دیپلماتیک، زیست‌محیطی و ... تعریف شده و یا حتی می‌توان برای یک منطقه خاص یا یک صنعت خاص مثلاً آب، روابط شبکه‌ای را تعریف نمود (Mouzas, 2016: 8). در تحلیل کلاسیک مذاکرات فرض بر این است که هر یک از بازیگران و شرکت‌ها به دنبال حداکثر کردن منفعت شخصی خویش در یک محیط معین هستند. یک ساختار شبکه‌ای از یک سری از آرایه‌ها و اتصال این آرایه‌ها تشکیل می‌شود، با تشکیل یک ساختار شبکه‌ای می‌توان روابط منفرد هر یک از آرایه‌ها را با سایر آرایه‌ها تعریف نمود (Zaheer & Bell, 2005: 822). مشاهده مذاکره در یک دیدگاه شبکه‌ای می‌تواند به مذاکره‌کنندگان برای دیدن محدودیت‌ها و گزینه‌ها با وضوح بیش‌تر کمک کند (Mouzas, 2016: 12). بررسی مذاکره از طریق یک لنز شبکه‌ای، تحلیلگران را به

مشاهده مذاکرات فراتر از مذاکرات فردی و همچنین قسمت‌های مذاکرات به صورت جداگانه برای بررسی کل شبکه‌ای از روابط به عنوان یک واحد تحلیلی، قادر می‌سازد. این دیدگاه تحلیلگر را نسبت به توسعه در طول زمان حساس تر می‌کند. تغییرات درون شبکه بر وضعیت مذاکره‌کنندگان درون شبکه و بر ساختار شبکه تأثیر می‌گذارد. از این رو تحلیلگر می‌تواند مذاکره را به عنوان مجموعه‌ای از روابط با دیگر هم‌تایان که هویت و روابطشان نیز مهم است، مفهوم‌سازی کند (Mouzas, 2009: 499). در بخش نتایج و بحث مقاله چگونگی شکل‌گیری این شبکه‌ها در دو سطح تصمیم‌گیری داخلی و منطقه‌ای بحث شده است.

۲-۴- روش و ابزارهای ظرفیت‌سازی

همان‌گونه که بیان شد، برای بهبود وضعیت زیست‌محیطی منطقه به‌ویژه در مورد مسئله ریزگردها نیازمند ظرفیت‌سازی در ساختار جوامع منطقه مورد مطالعه هستیم. با توجه به عدم توجه کافی در آموزش‌های پایه‌ای در سطح منطقه و بالأخص در کشورمان به مسئله محیط‌زیست، خلأ همکاری‌های محیط‌زیستی از سوی سطوح مختلف جامعه شامل عموم مردم، جامعه مدنی و... احساس می‌شود. بنابراین برای دستیابی به پایداری در مسئله زیست‌محیطی و روابط شکل‌گرفته پیرامون آب‌های مرزی با کشورهای همسایه، نیازمند آموزش‌های ویژه و ایجاد ظرفیت در ساختار جامعه هستیم.

ظرفیت‌سازی در بحث آب‌های مرزی و روابط بین‌الملل مربوط به آب‌های مشترک، با توجه به ارتباط تنگاتنگ آب با مسئله معاش و سلامت جامعه، دارای پیچیدگی است. آنچه در این مبحث اولویت دارد این است که ابتدا باید بتوان اهمیت مسئله را برای تمام سطوح مختلف جامعه که شامل تصمیم‌سازان عمومی تا تصمیم‌گیران نهایی می‌باشند، روشن نمود. یکی از مهم‌ترین ابزارها در ایجاد ظرفیت بنیادی در هر جامعه، آموزش می‌باشد. باید بتوان آموزش را به تمام ذینفعان یک مسئله

و به فراخور ویژگی‌های آنان ارائه نمود. ظرفیت‌سازی در ابتدا باید در داخل یک کشور آغاز شود و سپس به‌سوی روابط بین‌الملل سوق یابد. آموزش همگانی می‌تواند به‌عنوان گام اول ظرفیت‌سازی در مسئله محیط‌زیست مورد توجه قرار گیرد و در نهایت به مهارت‌آموزی تصمیم‌گیران ختم شود. مراحل ظرفیت‌سازی پیرامون مسائل آب‌های فرامرزی در شکل ۵ ارائه شده است.



شکل ۵- ظرفیت‌سازی و مراحل با آن

۳- نتایج و بحث

۳-۱- دیپلماسی مطرح در مسائل اقلیمی و زیست‌محیطی

دیپلماسی آب دانشی چندوجهی بوده و به مطالعه ابعاد سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی مسئله آب می‌پردازد، که هدف آن بهبود ثبات سیاسی جوامع، امنیت منطقه‌ای، رشد اقتصادی و در نهایت دستیابی به توسعه پایدار زیست‌محیطی است (Kehl, 2011: 219). بررسی ویژگی‌های هر سه دیپلماسی مطرح در مسائل اقلیمی و زیست‌محیطی شامل دیپلماسی فاجعه، دیپلماسی پیشگیرانه (پیشگیری از ایجاد

مناقشات بر سر مسائل آب‌های مشترک) و دیپلماسی سبز نشان می‌دهد که هر سه روش می‌توانند به‌عنوان دیپلماسی آب و مراحل آن برای حل مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین و کاهش معضل ریزگردها استفاده شوند. بنابراین با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده برای سه نوع دیپلماسی مطرح، در جهت دستیابی به هدف نهایی که حل مناقشات آبی تالاب‌های بین‌النهرین و کاهش معضل ریزگردها در منطقه و به‌ویژه غرب و جنوب غربی کشور ایران می‌باشد، پیشنهاد می‌شود که مراحل زیر در دیپلماسی آب منطقه و به‌خصوص بین سه کشور ایران، عراق و ترکیه طی شود:

مرحله اول (دیپلماسی فاجعه): طرح معضل ریزگردها به‌عنوان فاجعه منطقه‌ای و استفاده از دیپلماسی فاجعه جهت شروع مذاکرات و تهیه برنامه اقدام مشترک اضطراری.

مرحله دوم (دیپلماسی پیشگیرانه): استفاده از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای انجام دیپلماسی پیشگیرانه جهت تدوین برنامه پیشگیری از توسعه خشکی در تالاب‌های بین‌النهرین. پس از رخداد فاجعه و همسو شدن کشورها برای برطرف نمودن فاجعه پیش آمده که به‌عنوان دیپلماسی فاجعه مطرح می‌گردد، باید بتوان کشورهایی که برای رفع یک مسئله همسو شده‌اند را برای ادامه مسیر و رسیدن به پایداری زیست‌محیطی مجاب نمود. در این مرحله می‌توان از فضای به وجود آمده به‌وسیله دیپلماسی فاجعه، برای اقداماتی در جهت جلوگیری از تشدید پدیده ریزگردها استفاده نمود که از این فضا و روابط دیپلماتیک به‌عنوان دیپلماسی آب پیشگیرانه تعبیر می‌شود. همچنین فضای مناسب جهت ترغیب کشورهای منطقه در جلوگیری از تشدید پدیده رو به رشد ریزگردها می‌تواند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موجود به‌عنوان دیپلماسی آب پیشگیرانه مطرح شود که این فضا در پیشگیری از مناقشات و معضلات آب که در آینده شکل خواهد گرفت، مؤثر خواهد بود.

مرحله سوم (دیپلماسی سبز): ظرفیت‌سازی برای ایجاد گفت‌وگو زیست‌محیطی با استفاده از دیپلماسی سبز.

۳-۱-۱ دیپلماسی آب و مراحل آن در حل مناقشات آبی تالاب‌های

بین‌النهرین و کاهش اثرات معضل ریزگردها

با توجه به تعریف دیپلماسی فاجعه، پدیده ریزگردها می‌تواند یک فاجعه در عراق، غرب و جنوب غربی ایران و شوری اراضی پروژه GAP در کشور ترکیه باشد و برای حل آن مذاکراتی بین کشورهای ایران، عراق و ترکیه صورت گیرد. در این راستا استفاده از دیپلماسی فاجعه در رابطه با طوفان گردوغبار به‌عنوان یک مسئله مشترک بین دو کشور ایران و عراق و پدیده شوری اراضی پروژه GAP در کشور ترکیه پیشنهاد می‌شود. با بستری که دیپلماسی فاجعه می‌تواند ایجاد کند، سه کشور تنها برای حل این مسئله در کنار یکدیگر و به‌صورت ائتلافی اقدام به بهبود شرایط خواهند نمود. در صورتی که از شبکه‌سازی بین مراکز علمی و دانشگاهی و نیز سازمان‌های غیردولتی بین این کشورها برای طرح مشکلات یادشده به‌عنوان فاجعه انسانی استفاده شود، دیپلماسی فاجعه می‌تواند نتیجه مطلوبی داشته باشد. باید توجه شود که معضل ریزگردها تأثیر شدیدی بر سلامت مردم در نواحی یادشده گذاشته است، و باید بتوانیم در میان کشورهای منطقه برای حمایت از اقدامات جمعی لازم برای کاهش خطرات مربوط به سلامت عمومی ایجاد ظرفیت نماییم.

در مرحله بعد، استفاده از دیپلماسی پیشگیرانه در منطقه و ما بین سه کشور ایران، عراق و ترکیه توصیه می‌شود. باید در افکار دولت‌ها و مردم ظرفیتی مبنی بر تغییر در اولویت‌های توسعه‌یافتگی و رشد اقتصادی ایجاد شود و از اقداماتی که ممکن است سبب ایجاد مناقشه شوند، جلوگیری به عمل آید. دیپلماسی پیشگیرانه بر اقداماتی متمرکز می‌شود که از وخیم‌تر شدن مسئله در آینده پیشگیری نمایند، به‌عنوان مثال می‌توان به جلوگیری از ادامه خشک شدن تالاب‌ها و همچنین توسعه ناپایدار کشاورزی در منطقه اشاره نمود. برای استفاده از دیپلماسی پیشگیرانه نیاز به چارچوبی نهادی و قانونی در منطقه است که می‌توان این چارچوب‌ها را توسط سازمان‌های بین‌المللی در منطقه ایجاد

نمود و قوانینی برای اجرای معاهدات تنظیم نمود. سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به عنوان ابزاری برای ایجاد توافقات و حل مسائل منطقه به کار روند. کشورهای ایران، عراق و ترکیه به صورت مشترک در چندین سازمان در منطقه عضو می‌باشند. سه مورد از این سازمان‌ها شامل سازمان اکو^۱، سازمان کنفرانس اسلامی^۲ و سازمان آیسسکو^۳ می‌باشند. با توجه به ویژگی‌ها و بسترهای قانونی و بین‌المللی شکل گرفته شده در قالب این سازمان‌ها، از ظرفیت سازمان‌های یاد شده می‌توان برای دیپلماسی پیشگیرانه بین سه کشور ایران، عراق و ترکیه استفاده کرد و مدیریت منابع آب تالاب‌های بین‌النهرین را بهبود داده و معضل ریزگردها را مدیریت نمود. پیشنهادهای این پژوهش در استفاده از ظرفیت سازمان‌های ذکر شده، شامل موارد زیر می‌باشد:

- تبادل تجاری در قالب سازمان اکو می‌تواند به عنوان بخشی از دادوستد برای یافتن راهکار دیپلماسی آب در تالاب‌های یاد شده مورد استفاده قرار گیرد.

۱- سازمان اکو (Economic Cooperation Organization) سازمان همکاری اقتصادی (ECO) در سال ۱۹۸۵ توسط ایران، پاکستان و ترکیه به منظور ترویج همکاری اقتصادی، فنی و فرهنگی بین کشورهای عضو تأسیس شد (Pomfret, 1997: 657). طبق اساسنامه این سازمان که در سال ۱۹۹۷ در ازبکستان امضا شده است، اکو برای بهبود شرایط رشد اقتصادی پایدار کشورهای عضو تلاش می‌کند و برای حذف تدریجی موانع تجاری در این منطقه فعالیت دارد (Pomfret, 1997: 659).

۲- سازمان کنفرانس اسلامی (Organization of Islamic Cooperation)، یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۹ تأسیس شده است که شامل ۵۶ کشور عضو، و همچنین تشکیلات خودگردان فلسطین است و در حال حاضر بزرگ‌ترین بلوک رأی‌گیری در سازمان ملل متحد و همکاری مهم اتحادیه اروپا است. این سازمان برای "حفاظت و سیانت از منافع جهان اسلام در ترویج صلح و هماهنگی‌های بین‌المللی" تلاش می‌کند و به عنوان یک اولویت دنبال ممنوعیت انتقاد از اسلام در جهان می‌باشد (Lebl, 2014: 102).

۳- سازمان آیسسکو یا سازمان اسلامی (Islamic Educational Scientific and Cultural Organization)، سازمان علمی، آموزشی و فرهنگ اسلامی (آیسکو) از ۵۷ کشور عضو تشکیل شده است (Herrera, 2007: 410).

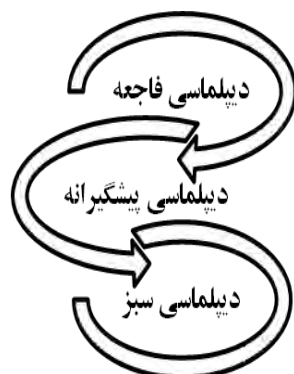
- از آنجایی که سازمان کنفرانس اسلامی یک هیئت دائمی در سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا دارد، برای همکاری در مسائل زیست محیطی، به ویژه گردوغبار در منطقه، تشکیل یک گروه کاری می تواند در قالب این سازمان مفید باشد.

- با توجه به این که سازمان آیسسکو، یک سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی است، برنامه های آموزشی برای همکاری در حفاظت از تالابها و مدیریت آب های مشترک می تواند در قالب برنامه های این سازمان، اجرایی شود.

مرحله سوم دیپلماسی سبز است. یکی از بزرگ ترین اهداف هر کشور در تعریف توسعه، دستیابی به توسعه پایدار می باشد. پیشنهاد می شود کشورها برای رسیدن به توسعه پایدار در تمام زمینه ها به ویژه مسئله محیط زیست و برابری اجتماعی - سیاسی از دیپلماسی سبز استفاده نمایند. وضعیت کنونی محیط زیست در منطقه حاصل بی توجهی دولت ها و بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر منطقه است. دو کشور ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت تأثیرگذار در منطقه باید با استفاده از دیپلماسی، سازوکاری منطقه ای در خصوص همکاری های مشترک زیست محیطی ایجاد نمایند (عراقچی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). برای مجاب کردن کشور ترکیه در دیپلماسی سبز باید بتوان منافع اقتصادی حاصل از این مذاکره را شفاف سازی نمود که در این مورد مهارت های مذاکره کنندگان بسیار مهم می باشد. اقتصاد ترکیه ترکیبی از صنایع بومی و مدرن است که روزبه روز بر دامنه اش افزوده می شود. بخش خصوصی اقتصاد ترکیه نیز قوی و به سرعت در حال رشد است و نقش مهمی در بانکداری، حمل و نقل و ارتباطات دارد. ترکیه در رده کشورهای توسعه یافته دسته بندی می شود (IMF¹, 2015: 24). اقتصاددانان و سیاستمداران اغلب ترکیه را به عنوان کشور تازه صنعتی شده طبقه بندی می کنند و آن را جزء ۲۰ کشور صنعتی جهان می دانند. گردشگری یکی از فعال ترین

بخش‌های اقتصاد ترکیه است که به سرعت در حال رشد می‌باشد. بر اساس آمار موسسه TUI آلمان از ۱۰۰ هتل برتر جهان ۱۱ هتل در ترکیه قرار دارند (IMF, 2015: 5). طبق آمار، ترکیه در رتبه هفتم دنیا به لحاظ جذب گردشگر می‌باشد و همچنین هرساله بیش از ۲ میلیون نفر گردشگر ایرانی وارد ترکیه می‌شوند (جامعه خبری تحلیلی، ۱۳۹۳). علاوه بر گردشگری سه کالا و صنعت پارچه، چرم و فرش از مهم‌ترین تولیدات و صادرات کشور ترکیه است که بازار عمده این محصولات کشورهای خاورمیانه از جمله ایران، عراق و سوریه است. اقتصاد و درآمد حاصل از واردات این محصولات و گردشگری می‌تواند به عنوان ابزار فشار برای متقاعد کردن ترکیه برای شرکت در مذاکره در مورد مسائل زیست‌محیطی و استفاده یک‌جانبه این کشور از آب رودخانه دجله و به ویژه در مورد مسئله ریزگردها باشد. با توجه به آنچه بیان شد، دو کشور ایران و عراق بازار بزرگی برای کالاهای تولیدی کشور ترکیه می‌باشند و همچنین کشور ترکیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مقاصد گردشگری از سوی مردم این دو کشور است. چنانچه تصمیم‌گیران سیاسی دو کشور ایران و عراق این بازار بزرگ که در اختیار ترکیه قرار داده‌اند، را به عنوان یک ابزار فشار بر دولت ترکیه، جهت رعایت حقابه زیست‌محیطی دجله و فرات توسط دولت ترکیه، در نظر گیرند، می‌تواند گامی به سوی تعادل محیط‌زیست در منطقه باشد.

نهایتاً، با توجه به مسائل منطقه‌ای و پدیده ریزگردها به عنوان یک فاجعه زیست‌محیطی و مناقشات ایجاد شده بر سر منابع آب، سیر تکاملی که از دیپلماسی فاجعه شروع و برای رسیدن به دیپلماسی سبز از مسیر دیپلماسی پیشگیرانه عبور می‌کند در شکل ۶ ارائه شده است.



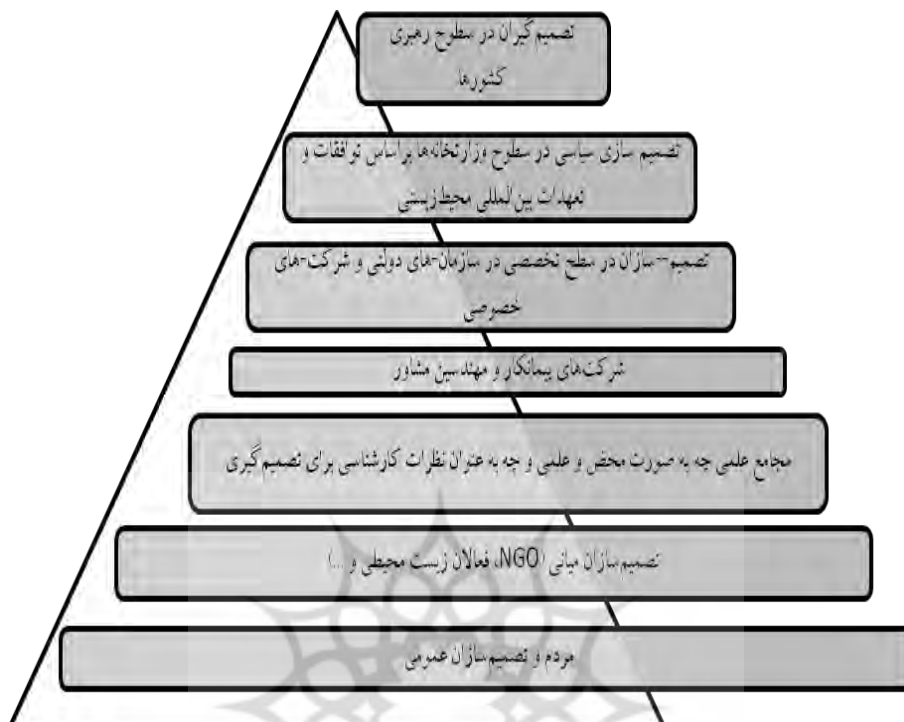
شکل ۶- سیر تکاملی پیشنهادی دیپلماسی آب

۳-۲- گفتمان سازی و ساختار مذاکرات مناسب

۳-۲-۱- تصمیم‌گیری داخلی ساختار مذاکرات

مذاکرات باید در لایه‌های مختلف جامعه و به فراخور تأثیرات هر سطح در تصمیم‌گیری نهایی تعریف شود. برای شکل‌گیری شبکه‌هایی که در آن مذاکرات انجام می‌شود، ابتدا باید سطوح درگیر تعیین شده و اهداف آنان به صورت تعریف شده، مدون گردد. برای ایجاد فضای مذاکره باید در هر لایه از شبکه ایجاد شده، مذاکرات به صورت هدف‌دار، تعیین شده و با آموزش همراه باشد. در شکل ۷ لایه‌های پیشنهادی مطالعه حاضر برای در نظر گرفتن در مذاکرات زیست‌محیطی نشان داده شده است.

پروژه علمی و مطالعات کاربردی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۷- سطوح مختلف تصمیم‌گیری در رابطه با محیط‌زیست

ایجاد روابط مذاکره‌ای در شبکه‌های مشخص نیاز به دانش، مهارت و تجربه دارد که با ظرفیت‌سازی و آموزش تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران سیاسی و مذاکره‌کنندگان، می‌توان به آن دست‌یافت.

۲-۲-۳ گفت‌وگو سازی و ساختار منطقه‌ای مذاکرات

در مورد پدیده ریزگردها و مسائل زیست‌محیطی به وجود آمده در منطقه، مسیری برای گفت‌وگو سیاسی پیشنهاد شده است. در گفت‌وگو جهان سوم، هدف رشد اقتصادی یک‌جانبه می‌باشد در حالی که در گفت‌وگو برد-برد هدف رشد اقتصادی در طرفین درگیر در مذاکره بوده و توسعه بر اساس پیشرفت طرفین درگیر در مذاکرات شکل می‌گیرد. از

سویی دیگر در منطقه خاورمیانه با توجه به شرایط اقلیمی با توجه به مسائل ذکر شده، می‌توان گفت‌مان موجود در منطقه را گفت‌مان جهان‌سومی دانست. به تصمیم‌گیران سیاسی پیشنهاد می‌شود که از گفت‌مان برد-برد که در آن هدف رشد اقتصادی طرفین است به عنوان مرحله گذر در مذاکرات استفاده نمایند تا در نهایت در این مسیر بتوان به گفت‌مان سبز رادیکال که در آن هدف برابری اجتماعی و تعادل زیست‌محیطی است، دست‌یافت. در این راستا نیز برای رسیدن به برابری اجتماعی و تعادل زیست‌محیطی باید ظرفیت‌سازی لازم نهادی و قانونی در منطقه برای شکل‌گیری مذاکرات منطقه‌ای با استفاده از دیدگاه شبکه‌ای انجام شود.

برای ایجاد دیدگاه شبکه‌ای نیاز به شکل‌گیری اتصالات بین هم‌تایان در هر سه کشور وجود دارد. با توجه به تعاریف، دیدگاه شبکه‌ای را می‌توان در مسائل مختلف از جمله مسائل آبی در نظر گرفت. هر شبکه دارای ساختاری از یک سری آرایه‌ها و اتصال این آرایه‌ها می‌باشد و در مسائل زیست‌محیطی شبکه‌ها می‌توانند در سطوح مختلف و مرتبط با یکدیگر تعریف شوند. سطوح تعریف شده در مسائل زیست‌محیطی شامل سطوح مردم و تصمیم‌سازان عمومی، تصمیم‌سازان میانی (NGO ها، فعالان زیست‌محیطی و ...)، مجامع علمی چه به صورت محض و علمی و چه به عنوان نظرات کارشناسی برای تصمیم‌گیری، شرکت‌های پیمانکار و مهندسین مشاور، تصمیم‌سازان در سطح تخصصی در سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، تصمیم‌سازی سیاسی در سطح وزارتخانه‌ها بر اساس توافقات و تعهدات بین‌المللی محیط‌زیستی و تصمیم‌گیران در سطح روسای جمهور و رهبری کشورها می‌باشد. آموزش و ظرفیت‌سازی برای ایجاد سطوح مختلف این روابط شبکه‌ای در بین کشورهای ذینفع برای زمینه‌سازی در افکار عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ضروری است.

جرج سیمل^۱ ۱۹۵۰ بیان نمود که برای ایجاد یک شبکه، بیش از دو طرف مذاکره نیاز است و با گسترده شدن شبکه مذاکرات، تعدادی از بازیگران و اثرات آنها ممکن است به راحتی قابل مشاهده نباشد (Mouzas & Furmston, 2008: 38). وجود اتصالات و تأثیر متقابل آرایه‌ها در شبکه‌ها اجتناب‌ناپذیر است وجود این اتصالات گه‌گاه به پیچیدگی مسئله می‌افزاید و به چالشی برای مذاکره‌کنندگان تبدیل می‌شود. در مسائل زیست‌محیطی منطقه نظیر ریزگردها، بازیگران زیادی از جمله کشاورزان و دام‌پروران منطقه، صنایع مختلف، شرکت‌های خصوصی و دولتی و دولت‌ها می‌توانند تأثیرگذار و اثرپذیر باشند که برای ایجاد روابط شبکه‌ای با اتصالات گسترده باید تمام بازیگران منطقه‌ای را در نظر گرفت تا بتوان اثرات و تصمیم‌گیری آنها را بر یکدیگر به‌عنوان یک واحد کلی بررسی نمود. نادیده گرفتن این اثرگذاری و اثرپذیری‌ها در روابط شبکه‌ای می‌تواند از نتایج مطلوب و بهینه مورد نظر بکاهد. از فضای مذاکره‌ای ایجاد شده درون سازمان‌های بین‌المللی، می‌توان برای ایجاد اطمینان به حکومت ترکیه و مجاب کردن آنها برای شرکت در مذاکره در مورد مسائل زیست‌محیطی و به‌ویژه مسئله ریزگردها استفاده نمود. آن چه اهمیت دارد ایجاد ظرفیت در هر سه کشور در ابتدا برای شکل‌گیری این روابط و سپس سازمان‌دهی آنان است.

۳-۲- ظرفیت‌سازی مورد نیاز برای دیپلماسی آب

در بیشتر مواقع مناقشات و عدم توافق‌ها، با توجه به سوابق تاریخی در بین کشورها اتفاق می‌افتد. در برخی منابع سه عامل و مانع برای ایجاد توافق بین دولت‌ها بر سر آب ذکر شده است: ۱. سخت‌گیری در مذاکرات دوجانبه (اغراق در اختلافات گذشته و محدود کردن بحث). ۲. اجرای طرح‌های بزرگ ملی برای توسعه رودخانه. ۳. تعریف محدودیت دیپلماسی دوجانبه که فقط به تبادلات ارزی و کالا محدود شده است (Crow & Singh, 2000: 1914) با توجه به سوابق تاریخی منطقه می‌توان گفت

1. Georg Simmel

هر سه عامل در منطقه مانع توافق بر سر آب‌های مشترک می‌باشد و حل این معضل می‌تواند مسئولیتی بر عهده تصمیم‌گیران سیاسی باشد. برای حل این‌گونه مسائل آموزش و ظرفیت‌سازی مستمر و هدف‌دار برای دیپلماسی فعال آب در میان تصمیم‌گیران سیاسی در مذاکرات بین‌المللی باید صورت گیرد. قابل ذکر است که دیپلماسی آب، نوعی ترکیب هنر مذاکره و مدیریت منابع آب است و آموزش آن به تصمیم‌سازان، مذاکره‌کنندگان و تصمیم‌گیران باید در اولویت قرار گیرد. با توجه به مسائل آب در منطقه، استفاده از مذاکرات به روش شبکه‌ای و تعیین گفتمان سیاسی-اقلیمی می‌تواند راهکار مناسبی برای اجرای دیپلماسی آب باشد.

دولت‌ها برای دستیابی به توسعه پایدار باید دیپلماسی سبز را در ابتدا در سطح جامعه تعریف نموده و برای آموزش عموم و سازمان‌ها، برنامه‌ریزی و ظرفیت مناسب را ایجاد نمایند تا با استفاده از آن به پایداری در تمامی سطوح و از جمله محیط‌زیست برسند. برای ایجاد روابط دیپلماتیک و اجرای مسیر پیشنهادی دیپلماسی آب می‌توان از مذاکرات هدفمند برای مدیریت پایدار زیست‌محیطی تالاب‌های بین‌النهرین و به‌ویژه تالاب هورالعظیم و مقابله با پدیده ریزگردها بهره برد. آموزش‌های پایه‌ای برای اجرای مذاکرات بین‌المللی و سایر مطالب بیان شده از نیازهای ضروری در بحث ظرفیت‌سازی عمومی می‌باشند. همان‌گونه که بیان شد از سه سازمان اکو، کنفرانس اسلامی و سازمان آیسسکو می‌توان برای ایجاد ساختار در مذاکرات بهره جست و همچنین شکل‌گیری مذاکرات در قالب این سازمان‌ها می‌تواند، به مذاکرات چارچوبی رسمی دهد. همچنین بانک توسعه اسلامی^۱ یکی از مؤسسات بزرگ مالی و توسعه‌ای بین‌المللی بوده و از

۱- بانک توسعه اسلامی (Islamic Development Bank): در ۱۹۹۷ به‌عنوان یک مشاور فنی در امور بانکداری تأسیس شد. هدف اصلی این سازمان، بانکداری اسلامی می‌باشد (Erol & El-Bdour, 1989: 31) یکی از مؤسسات بزرگ مالی و توسعه‌ای بین‌المللی بوده و از نهادهای تخصصی سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد.

نهادهای تخصصی سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد. این بانک می‌تواند منبع مالی برنامه‌های ترویجی و آموزشی مدیریت تالاب‌ها و منابع آبی مشترک را تأمین کند.

۴- نتیجه‌گیری

پدیده ریزگردها در مناطق غرب و جنوب غربی ایران مسئله‌ای منطقه‌ای و تحت تأثیر از کشورهای منطقه و بخصوص دو کشور عراق و ترکیه می‌باشد. منبع عمده این ریزگردها تالاب‌های بین‌النهرین و به‌ویژه تالاب هورالعظیم در مرز بین ایران و عراق و همچنین خشک شدن این تالاب در پی خشکسالی‌های پی‌درپی و سدسازی‌ها و تأسیسات بناشده در هر سه کشور ترکیه، ایران و عراق است. کشور ترکیه مجموعه سدهای زیادی بر روی منابع آبی این تالاب‌ها تأسیس نموده است و این در حالی است که تأثیر مستقیمی از پدیده ریزگردها متوجه کشور ترکیه نیست و این پدیده در دو کشور ایران و عراق محسوس بوده و تاکنون اثرات زیادی بر جای گذاشته است. در این مقاله علل ایجاد پدیده ریزگردها، مناقشات کنونی و بالقوه موجود بر سر منابع آبی در منطقه و همچنین راهکارهایی برای ظرفیت‌سازی سیاسی مطرح شده است. آنچه به‌عنوان نتیجه از بحث می‌توان ذکر کرد این است که باید توجه تصمیم‌گیران سیاسی و مردم در مورد مسائل زیست‌محیطی افزایش یابد که قطعاً این نتیجه با ظرفیت‌سازی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب در سطوح مختلف جامعه شامل مردم و تصمیم‌سازان عمومی، جامعه مدنی و تصمیم‌گیران در مقیاس ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی حاصل خواهد شد. مواردی که در ظرفیت‌سازی و آموزش دیپلماسی آب برای مقابله با پدیده ریزگردها و مدیریت تالاب هورالعظیم بر اساس این تحقیق توصیه می‌شود و باید برنامه‌ریزی گردد، عبارت‌اند از:

- از سازمان اکو، سازمان کنفرانس اسلامی سازمان آیسسکو و بانک توسعه اسلامی برای ایجاد دوره‌های آموزشی در مورد مسائل زیست‌محیطی، در سطوح

مختلف از جمله سیاست گذاران و ذینفعان بخش آب می توان بهره برد. استفاده از ساختار و فضای این سازمان ها می تواند به شکل گیری مذاکرات کمک نماید.

- با توجه به پیشرفت اقتصادی یک جانبه کشور ترکیه در منطقه، می توان گفتمان موجود در منطقه را گفتمان جهان سوم دانست. به تصمیم گیران سیاسی پیشنهاد می شود که ظرفیت سازی لازم برای ارتقا گفتمان فعلی به گفتمان برد-برد که در آن هدف رشد اقتصادی طرفین است را به عنوان مرحله گذر در مذاکرات فراهم سازند. سپس در این مسیر باید ظرفیت سازی لازم نهادی و قانونی در منطقه انجام شود تا بتوان به گفتمان سبز رادیکال که در آن هدف برابری اجتماعی و تعادل زیست محیطی است، دست یافت.

- ظرفیت سازی باید برای تمام سطوح و به فراخور نیاز آن ها صورت گیرد تا با توجه به مسائل منطقه ای و پدیده ریزگردها به عنوان یک فاجعه زیست محیطی و تهدید بزرگ برای نسل های آینده، سیر تکاملی که از دیپلماسی فاجعه شروع و برای رسیدن به دیپلماسی سبز از مسیر دیپلماسی پیشگیرانه ریل گذاری شود.

- ظرفیت سازی برای ایجاد و تقویت لایه های مختلف روابط شبکه ای در سطوح اجتماعی و سیاسی در بین کشورهای ذینفع برای زمینه سازی در افکار عمومی و تأثیر گذاری بر تصمیم سازان و تصمیم گیران ایجاد شود.

- در صورتی که تصمیم گیران سیاسی دو کشور ایران و عراق دیپلماسی آب-کالا (رهاسازی آب توسط کشور ترکیه را در مقابل بازار کالا در کشور ایران و عراق و گردشگری در ترکیه) را به عنوان یک ابزار مذاکره با دولت ترکیه استفاده نمایند، قدمی به سوی تعادل محیط زیست در منطقه خواهد بود.

- برای ایجاد روابط شبکه ای با اتصالات گسترده باید تمام بازیگران منطقه ای را در نظر گرفت تا بتوان اثرات و تصمیم گیری آن ها را بر یکدیگر به عنوان یک واحد کلی بررسی نمود.

- با توجه به پیشرفت روزافزون علم و فناوری باید از کاربردهای مفید مهندسی در حوزه محیط زیست در جهت حل معضل پیش آمده در منطقه بهره برد و همچنین

باید تغییرات فنی-اجتماعی در مواجهه با این معضل در منطقه مدنظر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان قرار گیرد.

منابع

- بنی حبیب، محمدابراهیم؛ نجفی مرغملکی، سجاد؛ محمدرضا پورطبری، محسن. (۱۳۹۵)، بررسی عوامل بروز گردوغبار در غرب و جنوب کشور با تمرکز بر دلایل خشک شدن تالاب هورالعظیم و ارائه راهکارهایی برای احیاء آن، *ششمین کنفرانس ملی مدیریت منابع آب ایران*، ۱-۳ اردیبهشت، کردستان، ایران.
- بنی حبیب، محمدابراهیم؛ نجفی مرغملکی، سجاد؛ محمدرضا پورطبری، محسن؛ اسعدی مهربانی، مژگان؛ عزتی امینی، مارینا. (۱۳۹۴)، *بررسی علل خشک شدن تالاب هورالهویزه (هورالعظیم)، و ارتباط آن با ریزگردها، و ارائه راهکارهایی برای احیای آن*، مرکز مطالعات و پژوهش‌های بنیادی انقلاب اسلامی.
- بنی حبیب، محمدابراهیم؛ نجفی؛ مرغملکی، سجاد. (۱۳۹۶)، ارزیابی نظریه‌های بازی و ورشکستگی جهت تأمین حبابه زیست‌محیطی هورالهویزه، *مجله علمی-پژوهشی* پذیرش شده در مجله علمی - *پژوهشی تحقیقات منابع آب ایران*.
- پاپهن، فروغ؛ رضایی، مریم؛ اسکندری، غلامرضا؛ راسخی، علی‌اکبر. (۱۳۹۲)، بررسی جمعیت ماهیان تالاب هورالعظیم، *فصلنامه علمی-پژوهشی اکو بیولوژی تالاب*، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، سال پنجم، شماره ۱۶.
- جلالی، نادر؛ ایران‌منش، فاضل؛ داودی، محمدهادی. (۱۳۹۶)، شناسایی منشأ و مناطق تحت تأثیر طوفان گردوغبار در جنوب غرب ایران با استفاده از تصاویر مادیس، *نشریه علمی-پژوهشی مهندسی و مدیریت آب‌خیز*، جلد ۹، شماره ۳.

- خسروی، محمود. (۱۳۸۹)، بررسی توزیع عمودی گردوغبار ناشی از طوفان در خاورمیانه، *مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام*.

- رستم‌آبادی، الهام؛ جلالی، سعید. (۱۳۹۳)، *مدیریت منابع آب در نظم نوین قانونی*، جلد اول، انتشارات امیرکبیر.

- عراقچی، سیدعباس. (۱۳۹۳)، دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری، *فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست جهانی*، دوره سوم، شماره چهارم.

- کرمانی، محسن؛ دلاوری، ابوالفضل. (۱۳۹۵)، از ایدئولوژی تا گفتمان: سوژه، قدرت و حقیقت، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، سال ۲۶، شماره ۷۴.

- کوه‌بزن، شاهین. (۱۳۹۳)، *گزارش ریزگردها، عوامل، چالش‌ها و راهکارها*. توسط مدیرعامل شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری کرخه و شاوور، ۱۳۹۳/۱۲/۰۷ (http://kashco.ir/blog_post/show/74)

- میان‌آبادی، حجت. (۱۳۹۱)، آب، امنیت و رودخانه‌های مرزی، *همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها*، دانشگاه سیستان و بلوچستان

- نجفی مرغملکی، سجاد. (۱۳۹۵)، مدل حل مناقشه برای مدیریت منابع آب تالاب هورالهوریزه (هورالعظیم)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده کشاورزی، پردیس ابوریحان، دانشگاه تهران.

-Adger, W. N., Benjaminsen, T. A., Brown, K., & Svarstad, H. (2001). Advancing a political ecology of global environmental discourses. *Development and change*, 32(4), 681-715.

- Arsano, Yacob. (2016). *A Hydro-diplomacy in Northeastern Africa: A Trajectory for Regional Integration*, AAU A Keynote Lecture for Summer Class of 2016 at the University of Bergen 14 June

- Bayazit M, Avci I. (1997). Water resources of Turkey: potential, planning, development and management. *International Journal of Water Resources Development* 13:443-52
- Beaumont, P. (1998). *Restructuring of water usage in the Tigris-Euphrates Basin: The impact of modern water management policies*. Middle Eastern Natural Environment: 168-186
- Boroujerdi, M and Ali Mirsepassi. (1993). Rethinking the Third World, *International Third World Studies Journal and Review*, 5: 1, pp. 51-58. <http://mehrzaadboroujerdi.com-December26,2017>
- Capacity building. (accessed: August 21, 2016). *Business Dictionary.com. WebFinance, Inc.* Retrieved December 26, 2017-
<http://www.businessdictionary.com/definition/capacity-building.html>
- Crow, Ben, and Nirvikar Singh. (2000). "Impediments and innovation in international rivers: the waters of South Asia." *World Development* 28.11: 1907-1925.
- Dabelko, D. and T. Aaron. (2004). Water, conflict, and cooperation. *Environmental Change and Security Project Report* 10: 60-66.
- Downing, M., & Hudson, M. (2001, February). *Community capacity building*. In WM'01 Conference (Vol. 25).
- Erol, C., & El-Bdour, R. (1989). Attitudes, behaviour, and patronage factors of bank customers towards Islamic banks. *International Journal of Bank Marketing*, 7(6), 31-37.
- Fuladvand, S., Sayyad, Gh.A. (2015). The Impact of Karkheh Dam Construction on Reducing the Extent of Wetlands of Hoor-Alazim. *Journal of Water Resources and Ocean Science*. 4(2): 33-38.
- Hajer, M. (1995). *The Politics of Environmental Discourses: Ecological Modernization and Policy Process*. Oxford University Press, New York: 1-44

- Hefny, Magdy A. (2011). *Water diplomacy: A tool for enhancing water peace and sustainability in the Arab region*, Technical document (draft), Cairo.
- Herrera, L. (2007). Higher education in the Arab world. *In International handbook of higher education* (pp. 409-421). Springer, Dordrecht.
- <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/01/19/704484/>- December 26, 2017
- IMF (International Monetary Fund. European Dept) Country Report No. 17/32 (2017 Article Iv Consultation~ Press Release; Staff Report; and Statement by The Executive Director For Turkey): 40 pages:
- [https://www.imf.org/en/News/Articles/2015/09/28/04/53/socar042516b-December 26, 2017](https://www.imf.org/en/News/Articles/2015/09/28/04/53/socar042516b-December%2026%2C%202017)
- Ioan, Stefu. (2013). "Green Diplomacy° The Chance to Mitigate the Effects of the Economic Crisis in the Context of Sustainable Development." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 81: 224-228.
- Isaksen, Kari-Anne, and Kristian Stokke. (2014). "Changing climate discourse and politics in India. Climate change as challenge and opportunity for diplomacy and development." *Geoforum* 57: 110-119.
- Kehl, J. R. (2011). Hydropolitical complexes and asymmetrical power: Conflict, cooperation, and governance of international river systems. *Journal of World-Systems Research*, 17(1), 218-235.
- Kibaroglu, Aysegül. (2015). "An analysis of Turkey s water diplomacy and its evolving position vis-à-vis international water law." *Water International* 40.1: 153-167.
- Koukis, Theodore, Ilan Kelman, and N. Emel Ganapati. (2016). "Greece° Turkey disaster diplomacy from disaster risk reduction." *International Journal of Disaster Risk Reduction*. 17: 24-32.
- Kumpel HJ, Khalaf R. (2013). *Tigris River Basin. In: G Lababidi* (Ed), Inventory of Shared Water Resource in Western Asia (pp. 99-127).

New York: United Nations Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA)

- Lebl, L. S. (2014). *The EU, the Muslim brotherhood and the organization of Islamic cooperation*. *Orbis*, 57(1), 101-119.
- Mouzas, Stefanos, and David Ford. (2009). "The constitution of networks." *Industrial Marketing Management*. 38.5: 495-503.
- Mouzas, Stefanos, and Michael Furmston. (2008). "From contract to umbrella agreement." *The Cambridge Law Journal*. 67.01: 37-50.
- Mouzas, Stefanos. (2016). "A network perspective on negotiation: What is new and why it matters.", *Negotiation Journal*. 32.1: 7-21.
- Phillips M, Jørgensen MW. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. Sage Publications, London.
- Pomfret, R. (1997). *The economic cooperation organization: current status and future prospects*. *Europe-Asia Studies*, 49(4), 657-667.
- Republic of Turkey Scope of 2016 Hlpf Presentation:
<https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/10215Turkey.pdf>, December 26, 2017
- Strang, K. D. (2017). Needs assessment of international capacity building using a Delphi technique. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 13(4), 286-302.
- UNCED -United Nations Conference on Environment and Development (1992). Agenda 21, Report of the United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3-14 June 1992
- UNEP- UN Environment Evaluation Office, (2003).
<http://hdl.handle.net/20.500.11822/187>
- Zaheer, Akbar, and Geoffrey G. Bell. (2005). "Benefiting from network position: firm capabilities, structural holes, and performance." *Strategic management journal* 26.9: 809-825.